

ارتقای کیفی خانه با عنصر خیرخواهی

پریسا هاشم پور / محمدعلی کی نژاد **

تاریخ دریافت مقاله:

1391/01/17

تاریخ پذیرش مقاله:

1391/03/31

چکیده

خانه مکان و بستر سکونت انسان است. خانه چیزی فراتر از کالبد است هر چند که در کالبد عینیت یافته است. خانه در عین آن که شکل گرفته از نیازها، خواست‌ها و ارزش‌های انسانی است، بر آن تأثیر گذاشته و این تأثیر آنقدر زیاد است که می‌توان گفت خانه نقشی حیاتی در زندگی انسان دارد. توجه به بعد مادی و دور شدن از کیفیت در مسکن، امروز یکی از علتهای مشکلات روحی روانی انسان است که او را از خواست‌ها و نیازهای درونی و ذاتی دور کرده و از خود بیگانه می‌کند.

هدف اصلی این مقاله تبیین عناصر ارتقای کیفی خانه است که با همسو کردن وجوه کیفی در راستای عنصر خیرخواهی به این هدف نزدیک می‌شود. در این مقاله فرض بر آن است که ارتقای کیفی خانه با شناخت و به‌کارگیری عنصر خیرخواهی محقق می‌گردد. عنصر خیرخواهی ریشه در فطرت انسان دارد و بیانگر گرایش‌های مقدس انسانی است. تجلی عنصر خیرخواهی در خانه الگوهای ماندگاری را برای خانه متصور می‌سازد که این الگوها فراتر از زمان و مکان بوده و همیشه ارزشمند هستند. این مقاله پس از آشنا نمودن با مفهوم سکونت و عنصر خیرخواهی در پی شناخت وجوه کیفی خانه است که با گذری بر مطالعات انجام گرفته در این زمینه، وجوه کیفی خانه را در پنج وجه اجتماعی، فرهنگی، روانی، معنوی و فیزیکی تبیین نموده است. سپس عنصر خیرخواهی با هریک از وجوه کیفی همسو شده است. در نهایت این مقاله مشخص نموده که در صورتی که وجوه کیفی خانه در راستای عنصر خیرخواهی باشد خانه را به سمت خانه خیر رهنمون ساخته و موجب ارتقای کیفی آن می‌شود.

واژگان کلیدی: سکونت، خانه، عنصر خیرخواهی، وجوه کیفی خانه.

* پژوهشگر و هیأت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز. hashempour@tabriziau.ac.ir

** استاد دانشگاه تبریز.

- این مقاله برگرفته از مباحث نظری رساله دکتری با عنوان "پایداری فرهنگی خانه (بررسی و شناخت عناصر پایدار فرهنگی برای ارتقای کیفی خانه)" است که با راهنمایی اساتید بزرگوار دکتر هادی ندیمی و دکتر محمد علی کی نژاد و به مشاوره دکتر عیسی حجت انجام گردیده است.

مقدمه

چیست اندر خانه کاندر شهر نیست

چیست اندر جوی کاندر نهر نیست

این جهان جوی است و دل چون نهر آب

این جهان خانه است و دل شهری عجب

(مولوی)

امروزه با پیشرفت روزافزون تکنولوژی، مسائل مربوط به عدم مقاومت و عدم پاسخگویی به شرایط اقلیمی در خانه به حداقل خود رسیده و می‌توان گفت بهترین زمان برای توجه به ابعاد کیفی فضای سکونت است. "امروزه تعیین ارزش‌های مطلوب و ایجاد بنیان مفهومی (جهت به‌کارگیری ارزش‌ها) در بهبود طراحی خانه مهم است." (Kowaltowski, 2011: 2) توجه به بعد کیفی زندگی انسان، توجه به ارزش‌های انسانی است، ارزش‌های بر گرفته از گرایش‌های انسانی، ارزش‌های متعالی و مقدسی است که انسان را به خوبی، نیکی، حسن، زیبایی، حقیقت و عشق فرا می‌خواند. عنصر خیرخواهی برگرفته از ارزش‌های اخلاقی است. خانه‌ای که با درک و به‌کارگیری این عنصر ساخته شده باشد حس رضایتمندی به همراه مطلوبیت را داراست و در ارتقای زندگی انسان مؤثر است. حضور عنصر خیرخواهی در خانه، ویژگی‌هایی را معرفی می‌کند که بیان معماری آن‌ها هدف اصلی این مقاله است. خانه‌ای که با به‌کارگیری این عناصر طراحی و ساخته شود، خانه‌ای آشنا و همیشگی برای ساکنان خواهد بود، خانه‌ای که احساس آرامش را به همراه یکی بودن و احساس مطلوبیت را به همراه آزادگی و احساس رضایتمندی به همراه حس تعلق در آن قابل درک می‌باشد. زندگی در چنین خانه‌ای ارتقای کیفی زندگی انسانی را به ارمغان خواهد آورد، بر اساس نظر هایدگر که "انسان بودن" را با "هستی و سکنی گزیدن او" معادل در نظر گرفته است (هایدگر، 1971).

چنین خانه‌ای فراتر از محل سکونت، محل زندگی کردن است محلی که تجربه انسان شدن را ممکن می‌سازد.

نوع تحقیق در این مقاله کیفی می‌باشد که با روش استدلال منطقی در پی اثبات این ادعا است که ارتقای کیفی خانه با شناخت و به‌کارگیری عناصر پایداری که برگرفته از گرایش‌های انسانی است، به دست می‌آید. عناصر پایداری که "با مدد گرفتن از معرفت مشترک انسان‌ها که از ورای تنازعات فرهنگی، تاریخی و فکری، آنان را در پیوندی فراتر از زمان و مکان انسجام بخشیده، به زبانی همه فهم می‌رسد" (ندیمی، 1386: 103) یکی از این عناصر، عنصر خیرخواهی است. در این مقاله ابتدا مفهوم سکونت ذکر شده و پس از معرفی عنصر خیرخواهی، وجوه کیفی خانه شناسایی و بیان شده‌اند و در نهایت وجوه کیفی همسو با عنصر خیرخواهی تبیین می‌گردد.

سؤالات مقاله

در راستای هدف تحقیق سؤالات زیر مطرح می‌گردد:

منظور از وجوه کیفی خانه چیست؟

چگونه وجوه کیفی می‌تواند انعکاس دهنده عنصر خیرخواهی باشد؟

مفهوم سکونت

انسان اولیه پس از سرگردانی طاقت فرسای دوران دیرینه سنگی با کشف کشاورزی و انتخاب یکجا نشینی، محیط سکونتش را بر اساس احساس لزوم به ساکن شدن در یک نقطه شکل داد. انسان‌ها یکجا نشینی را برگزیدند و به ایجاد اقامتگاه‌های دائمی و ساخت خانه و سایر بناها اقدام کردند. این امر به واسطه اهلی شدن انسان‌ها و همچنین اهلی سازی حیوانات و گیاهان ممکن گردید. (راپاپورت، 1993) در این دوره از زندگی دیگر انسان نیاز نداشت با حرکت بیرونی و جابه‌جایی امورات خود را بگذراند و با سکنی‌گزینی امکان توجه به خود و درون خود فراهم شد.

یک زمین تصور می‌کند." (Levinas, 1971: 156) سکونت برای خودآگاهی و یافتن هستی خود با خلق تصور خود از جهان همراه است. رابطه انسان با جهان به شفاف شدن موقعیت شخص نسبت به محیط اطراف می‌انجامد. کوپر مارکوس سکونت را خلق جهان خود دانسته و معتقد است: انسان با قبول مسئولیت آفرینش جهانی که برای سکونت انتخاب کرده است نه تنها ایجاد بی‌نظمی در آن را ایجاد بی‌نظمی در عالم می‌شمارد، بلکه عالم صغیر خود را شبیه به جهان خدایان می‌سازد و این چنین بدان خدایان قداست می‌بخشد... به همین علت است که سکونت در هر جا - از ساختن دهکده گرفته تا خانه - نشان دهنده تصمیمی جدی است؛ زیرا پای هستی خود انسان در میان است (کوپر مارکوس، 1382: 113).

شولتز می‌نویسد: "اگر با داشتن حکمت کافی و گسترده به فعل سکنی گزیدن بیندیشیم، آن گاه آن را حاکی از راهی خواهیم یافت که آدمی سرگردانی از بدو تولد تا لحظه مرگ خود روی زمین و زیر پهنه آسمان را بر آن به پایان می‌رساند" (شولتز، 1389: 28) با این تعبیر سکونت را می‌توان مقر آغاز و پایان راه انسان در این جهان تصور کرد. آغاز و پایان در مسیری که بیهوده نیست و هدف از خلقت را در خود گنجانده است. چگونگی سکونت کردن و نحوه سکنی گزیدن می‌تواند مسیر انسان در این ره را هموار کند. با سکونت در آرامش، امکان بالفعل کردن آنچه که بالقوه در نهاد انسان است، ممکن می‌گردد. این سکونت شاعرانه زیستن و خیالپردازی کردن را نقابی برای تأمل در خود می‌داند. این سکونت، شکل گرفته از زندگی انسان و در جهت هدف خلقت انسان است. در این سکونت قرار است اتفاق‌هایی از جنس بودن، رفتن و یافتن انجام گرفته و به واسطه آن انسان از عالم صغیر به عالم کبیر برسد. بنابراین هدف از سکونت را می‌توان رسیدن به حقیقت از طریق

واژه سکونت به معنای اقامت کردن و آرامش یافتن در لغت نامه دهخدا و در فرهنگ معین به معنی اقامت کردن و ماندن با آرامش است. کلمه آرامش پس از اقامت یافتن و ماندن بار معنایی دارد که آن را از ماندن و شب را به صبح رساندن صرف جدا می‌کند. هایدگر سکونت با آرامش را اینگونه بیان می‌کند: "سکنی گزیدن، برای ایجاد آرامش بین فرد و جهان صورت گرفته و با ساختن از طریق شرایط حضور عناصر چهار گانه (زمین، آسمان، فانیان و باقیان) شکل می‌گیرد (شار، 1388: 78). باشلار سکونت را برای خیال پردازی می‌داند که لازمه آن آرامش یافتن از طریق سکونت است " برای بهره بردن از رویا پردازی چنین خیالی، بی‌هیچ تردیدی در وهله اول باید خود را در "دستان آرامش" قرار داد. یعنی در خود فرو رفت و خود را کاملاً در دل آرامش یله کرد و این ارزشی است که فرد به راحت‌ترین نحو "در دست" دارد. (باشلار، 1385: 45)

حال سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که ضرورت سکونت با آرامش چیست؟ به عبارتی چرا برای سکونت نیازمند آرامش هستیم؟ شاید از این رهگذر بتوان به هدف نهایی از سکونت پی برد. سکونت را می‌توان شکوفا شدن و به ثمر رسیدن آنچه که در نهاد انسان‌هاست، تعریف کرد. انسان با سکونت می‌تواند آنچه که بالقوه دارد بالفعل کند. به عبارتی با سکنی گزینی و توجه به درون، انسان به مرحله شدن پس از بودن می‌رسد. هایدگر سکونت را بودن با چیزها تعبیر می‌کند (شوای، 1375، 436) و این در حالی است که پس از بودن باید پا را فراتر گذاشت و در پی یافتن شد. رسیدن به خودآگاهی و بازشناسی درون خود با سکونت ممکن می‌گردد. لوییز این مطلب را اینگونه مطرح می‌کند: "انسان سکونت را به‌عنوان یک بازشناسی، یک آمدن به خود، یک عقب‌نشینی به خود و پناه گرفتن در

آرامش یافتن، شناختن خود و جهان خود تصور کرد و سکونت را ردپای انسان برای تعالی دانست.

عنصر خیرخواهی

عنصر خیرخواهی یکی از گرایشهای مقدس انسانی¹ است که در نهاد انسان قرار دارد و او را به سمت کمال حقیقی هدایت می‌کند. خیر در لغت نامه دهخدا به معنای نیکویی و خوبی در مقابل شر، کرم و بزرگواری و نجابت آورده شده است. طباطبایی در اهمیت خیر می‌نویسد: "علم حق تعالی در مرتبه ذاتش به نظام خیر، غایت فاعلیت ذاتی است (طباطبایی، 1363: 71). افلاطون برترین سعادت حقیقی انسان را رسیدن به خیر اعلی می‌دانست و معتقد بود: "برترین خیر انسان، تکامل حقیقی شخصیت انسان به‌عنوان موجود عقلانی و اخلاقی و رشد و پرورش نفس است (محمد رضایی، 1387: 85).

بنابراین خیر هر قوه عبارت است از کمالی که به او اختصاص دارد و به حسب استعداد نخستین و فطری به سوی آن می‌رود (ابن سینا، 1375: 334-347). ملاصدرا در اسفار اربعه به خیریت وجود اشاره کرده و سعادت نهایی را در صورت تحقق آن می‌داند و معتقد است: "خیر چیزی است که هر موجودی به آن اشتیاق دارد و برگزیده و اراده کرده است؛ خیر آن است که اراده و خواست آدمیان به خاطر او تحقق یافته و او سبب ترجیح و ملاک ترجیح قرار گرفته است وجود و خیر مانند نوری می‌ماند که همواره فیاض علی الاطلاق به مخلوقات افاضه می‌شود" (صدرالمآلهین، ج 1: 340؛ ج 4: 122؛ ج 7: 58). صدرالمآلهین وجود را خیر محض می‌داند، زیرا این خیریت وجود، تنها در بعد نظری و کمالات هستی‌شناسی کاربرد ندارد بلکه بعد ارزشی و حکمت عملی انسان را نیز می‌تواند تحت پوشش قرار دهد؛ چون وجود خیر است، خیر و کمال ارتباط تنگاتنگ با استکمال نفس انسانی و ادراک عقلانی و سعادت انسانی

دارد، خواه این ادراک مربوط به قوه نظری باشد یا عملی، بهجت لذت و سعادت انسان را در پی دارد (صدرالمآلهین، ج 9: 121). (محمد رضایی، 1387: 90). بنابراین حکمت عملی انسان ریشه در خیریت وجود دارد و سعادت انسان در گرو حصول آن است. براین اساس ریشه اصول اخلاق فاضله در عنصر خیر و فضیلت نهفته است. علامه طباطبایی در تفسیرالمیزان اصول اخلاق فاضله را در عفت، شجاعت، حکمت و عدالت بیان می‌کند که هر یک از آنها فروعی دارند که نسبتش به آن اصول نسبت نوع است به جنس و عبارتند از جود، سخا، شکر، صبر، شهامت، جرات، حیا، غیرت، خیرخواهی، نصیحت، کرامت و تواضع و غیره که همه فروع اخلاق فاضله هستند (طباطبایی، ج 1: 1382). مطهری در کتاب فطرت، خیر و فضیلت را به دو حوزه فردی و اجتماعی تقسیم می‌کند که حوزه فردی ویژگی‌هایی چون نظم و انضباط، تسلط بر نفس، شجاعت و... است و حوزه اجتماعی ویژگی‌هایی چون تعاون، کمک به دیگران، احسان و نیکوکاری، فداکاری و ایثار است (مطهری، 1379). هر یک از ویژگی‌های ذکر شده، فضایل اخلاقی بوده و بیانگر ارزش‌های اخلاقی است. براین اساس توجه به عنصر خیرخواهی توجه به ارزش‌های اخلاقی است. ارزشهای اخلاقی که به‌صورت شخصی و جمعی در رفتار و منش فکری شخص بروز می‌کند و گویای انسانیت اوست. ارزش‌های اخلاقی طیفی از ویژگی‌های رفتاری را شامل می‌شود که با معیار عدالت، حکمت، طهارت و پاکی و شجاعت قابل سنجش و ارزیابی است. کنشی که عادلانه، حکیمانه، مطهرانه و شجاعانه باشد مظهر ارزش اخلاقی است که در هر مکان و زمانی مورد ستایش و پذیرش است. غایت اخلاق، "الهی شدن" و حرکت به سوی معبود یا رسیدن به مقام "تخلقوا باخلاق الله" (خودتان را به اخلاق الهی آراسته کنید) است.

وجوه کیفی خانه

هدف از این بخش، بازشناسی و یافتن وجوهی از مسکن است که شرایط زندگی ایده آل را برای انسانی که جنبه‌های فیزیکی، روانی، روحی و معنوی دارد، مهیا کند. با در نظر گرفتن مفهوم سکونت و نقشی که خانه در زندگی انسان‌ها می‌تواند داشته باشد تفحص برای یافتن وجوه کیفی ضرورتی انکارناپذیر است. "بین ویژگی‌های محیط ساخته شده، آسایش و سلامتی روحی رابطه مستقیم وجود دارد. مطالعات کیفی مشخص می‌کند که ویژگی‌هایی از محیط ساخته شده مانند خانه‌ها، سازگاری بصری، دسترسی به فضاهای سبز و فضاهایی که امکان برخورد‌های اجتماعی را فراهم می‌کند در رفاه، کیفیت زندگی و سلامتی روحی و روانی مؤثر است."

(Gibson, 2011: 560)

عوامل مؤثر در کیفیت سکونت طیف وسیعی از عوامل مؤثر در زندگی انسان را دربر می‌گیرد که بخشی از آن ایستا و ثابت نیست و به اقتضای شرایط زندگی تغییر می‌کند. لارنس با اشاره به مجموعه عوامل معتقد است: "کیفیت خانه، یک مفهوم پیچیده‌ای است که ایستا و ساکن نیست" (Lawrence, 1995, p. 1658) متغیر بودن عوامل بستگی به شرایط سنی، جنسی، روحی روانی و محیط فرهنگی و اجتماعی ساکنان دارد. که موجب درجه‌بندی وجوه براساس اهمیتی که برای افراد می‌تواند داشته باشد، می‌شود. بدین معنا که "کیفیت محیط‌های مسکونی یک مفهوم سلسله مراتبی با ویژگی چندگانه است." (Anpoll, 1997)

وجوه کیفی خانه مجموعه‌ای از عوامل و ویژگی‌های کیفی زندگی انسان است که در صورت شناخت و به‌کارگیری در طراحی خانه باعث ارتقای کیفی خانه می‌شود. در ابتدا گذری بر مطالعات انجام گرفته در وجوهی که توسط صاحب‌نظران ارائه شده خواهیم داشت و پس از این تفحص وجوه کیفی خانه ارائه می‌شود.

گذری بر مطالعات انجام گرفته در وجوه کیفی خانه

با توجه به اینکه خانه مفهوم چندگانه‌ای دارد؛ طیف وسیعی از مباحث مربوط به زندگی انسان را در بر می‌گیرد و وجوه مختلفی دارد. در تحقیقات انجام گرفته در این زمینه به جنبه‌های گوناگونی اشاره شده که در ادامه آورده شده است. در تعدادی از این تقسیمات به امکاناتی که خانه از نظر موقعیت قرارگیری و تأسیسات مکانیکی در اختیار انسان قرار می‌دهد توجه شده است. مانند تقسیم بندی که گودون انجام می‌دهد. گودون برای تعیین کیفیت خانه 8 مورد را مطرح می‌کند که شامل فاصله از نزدیک ترین بیمارستان، فاصله از سیستم حمل و نقل عمومی، فاصله از مدرسه، انواع سیستمهای پخت، استفاده از سوختهای نوری، مصالح به‌کار رفته در ساخت، منبع اصلی آب و فاصله از نزدیکترین بازار است (Godwin, 2001).

وجوه کیفی از نظر امنول به دیدگاه گودون نزدیک است که شاخص‌های کیفی مسکن در 13 قسمت مطرح شده است که عبارتند از فاصله از سیستم حمل و نقل عمومی، فاصله از نزدیکترین بیمارستان، فاصله از مدرسه، نوع سوخت نور، نوع سوخت پخت و پز، فاصله از نزدیک ترین مرکز تجاری، نوع مصالح دیوارها، منبع اصلی آب، فاصله از نزدیک ترین منبع آب، نوع مالکیت، نوع سیستم فاضلاب، نوع مصالح سقف. (Emmanuel, 2001)، که ابعاد فیزیکی و ملموس چون موقعیت بنا و نوع سوخت و سیستم فاضلاب مد نظر بوده است.

از جمله تقسیماتی که به جنبه‌های اجتماعی بها داده است دیدگاه استرمن است استرمن خانه را شامل مباحث اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی دانسته که بحثهایی در ارتباط با موقعیت، کیفیت ساخت، دوام، هزینه و سرمایه، دسترسی‌ها، اولویت‌های ساکنان و پیامدهای همسایگی را شامل می‌شود. (Strassmann, 1998)

اولویت‌های ساکنان و پیامدهای همسایگی جنبه‌های اجتماعی است که در پی توجه به زندگی اجتماعی در خانه یا واحد سکونت بیانی شده است.

در تقسیم بندی که توسط منگ انجام گرفته است ضوابط کیفی خانه (HQI) در 8 گروه به شکل زیر آورده شده است: 1. پایداری فیزیکی شامل مصالح سقف، دیوار و کف 2. تراکم فضاها، افراد اتاق‌ها، افراد اتاق خوابها، آشپزخانه، اتاق شست و شو 3. خدمات خانه مانند آب و برق و ... 4. امنیت 5. مالکیت 6. دسترسی 7. امکانات دیگر شامل اینترنت و ... 8. قیمت خانه. این 8 مورد برای سنجش کیفی خانه بیان شده است (Meng, 2006: 419) تراکم فضاها از نظر تعداد افراد استفاده کننده از ویژگی‌های مورد توجه منگ است که در دیگر تقسیمات وجود ندارد.

برت ضمن توجه به مباحث اجتماعی به جنبه‌های اقتصادی خانه از نظر قابل تهیه بودن با شرایط ملکی امن توجه کرده است. برت ویژگی‌های زیر را در کیفیت زندگی در خانه مؤثر می‌داند که شامل ویژگی‌های فیزیکی (مانند کیفیت، امنیت و دسترسی، ارتباط خانه با ساکنینش به گونه‌ای که فضای کافی داشته باشد)، قابل تهیه و خریداری، ثابت و انتخابهای ملکی امن داشته باشد. (Bratt, 2002)

زبردست معتقد است: "خانه یک مؤلفه اساسی برای کیفیت زندگی انسان است" (Zebardast, 2009, p311) و 19 شاخص را در هفت بخش بیان کرده است. در این بخش‌ها ضمن عدم توجه به موقعیت و دسترسی‌های خانه و ویژگی‌های اجتماعی، وجوه کالبدی را با تفصیل بیشتر نسبت به بقیه تقسیمات مطرح کرده است که شامل یکپارچگی خانه‌ها، سازگاری خانه‌ها، فضای خانه‌ها، کیفیت خانه، خدمات اساسی خانه، استحکام خانه و مالکیت امن است. (Zebardast, 2009, p312) براساس این تحقیقات وجوه کیفی در پنج بخش

به صورت زیر قابل تفکیک است: موقعیت و دسترسی، جنبه‌های اقتصادی و مالی، جنبه‌های فیزیکی و کالبدی، وجوه اجتماعی و امکانات و تأسیسات.

برای جمع بندی وجوه کیفی ارائه شده ضمن پذیرش وجه تمایزها در وجود و اهمیت جوانب مطرح شده، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که وجوه کیفی در بعد فیزیکی در تمام نظرات مورد توجه بوده و وجوه اجتماعی به صورت ناقص در نظرات تعدادی چون استرمن به چشم می‌خورد و وجوه معنایی و فرهنگی در تقسیمات آورده شده، نادیده گرفته شده‌اند. این در حالیست که وجوه کیفی خانه برای رفع خواست‌ها و نیازهای انسانی باید به تمام ابعاد زندگی انسان پردازد و با دارا بودن مجموع وجوه کیفی شرایط زندگی مطلوب را فراهم کند. با در نظر گرفتن تعریفی که از خانه در این تحقیق مد نظر است:

خانه به‌عنوان "فضای معنوی"، "پناه امن"، "نهاد اجتماعی"، "نشان فرهنگی" و "کالبد فیزیکی" فضایی است که تجلی عناصر پایدار در آن موجب ارتقای کیفیت سکونت می‌شود.²

و با حذف جنبه‌های اقتصادی خانه، وجوه کیفی خانه را می‌توان به بخش‌های زیر تقسیم کرد، که عبارتند از: وجوه معنوی، وجوه اجتماعی، وجوه فرهنگی، وجوه روانی، وجوه کالبدی.

وجه معنوی

وجه معنوی، وجوهی از خانه است که به بعد معنوی زندگی انسان پاسخگو است و به هدف غایی از خلقت انسان توجه می‌کند. خانه‌ای که دارنده این وجوه است مکان تفکر و ذکر و بستری برای تقدس دهی به زندگی انسان است. تعریفی که اردلان و کاندیلیس در مورد خانه ایرانی بیان کرده‌اند به این دیدگاه نزدیک است: "خانه ایرانی، جلوه مستقیم ارزش‌های معنوی و فرهنگی و شیوه زندگی بود. خانه مکان مقدسی بود که ارزش‌های

دارا بودن حس تعلق، ایمنی و خلوت به همراه حفظ قلمرو از ویژگی‌های رفتاری است که در صورت بروز در خانه موجب می‌شود ساکنان خانه را با عبارات توصیفی شاد، فوق العاده و خوب بیان کنند (Katherine, 2006) (465): این معیارهای رفتاری، تعریف کننده فضای امن روانی هستند. در خانه‌ای که شخص استقلال فردی دارد و امکان خود ارزیابی را پیدا می‌کند، احساس خلوت شکل می‌گیرد که یکی از وجوه روانی برای احساس امنیت است.

شخصی سازی با کنترل قلمرو مکانی موجب تغییراتی در خانه می‌شود. این تنوع و تفاوت با شخصی سازی و ایجاد قلمرو، حس مکان را شکل می‌دهد. هربرت گنز (1967) می‌نویسد: "مردم تنوع ظاهری خانه‌ها را ترجیح می‌دهند، در عین حال برای تقلیل یکنواختی ظاهری خانه‌ها و ایجاد نشانه‌های شخصی برای خانه خود، تغییراتی در داخل و خارج آن ایجاد می‌کنند." (لنگ، 1381: 168). شخصی سازی با افزایش انطباق، مکان تطبیق پذیر و متمایز می‌سازد.

قلمروپایی با تعیین نظام قلمروهای انسانی و عرصه‌بندی فضایی، خانه را به فضاهای خصوصی، نیمه خصوصی و نیمه عمومی تقسیم می‌کند. اسکار نیومن (1972-1979) معتقد است که سلسله مراتب قلمرو مکانی [با جدا کردن حد و مرز فضاها] با زمینه‌های به وجود آورنده خلوت، برای احساس بهزیستی مهم هستند و به احساس امنیت انسان کمک می‌کنند (لنگ، 1381: 171).

حس تعلق خاطر به خانه در راستای حس تعلق به مکان است که خانه را مکانی خاص و منحصر به فرد برای ساکنان می‌کند. عبارت "هیچ جایی، خانه آدم نمی‌شود" بیانگر آرامش، صمیمیت و تطبیق پذیری و در نهایت حس تعلق به خانه است. خانه با دارا بودن نشانه‌ها که ممکن عناصر طبیعی یا دست ساخته بشر باشند،

کیهانی، جهات مقدس و ارزش‌های ماوراءالطبیعه را شامل می‌شد. (Candilis, 1970) وجوه معنوی انسان را به تفکر و تأمل در خلقت وا داشته و از این طریق او را به حقیقت والا نزدیک می‌کند. مسکن سنتی دارای این وجوه است زمانی که "مسکن سنتی محل ذکر خداست؛ مکانی است که در آن به مقصود نهایی خود می‌رسد و مکان انتقال است از این دنیای فانی به سرای باقی. لذا مسکن سنتی نه به معنای جایی برای بودن و ماندن، بلکه جایی است برای شدن" (مسائلی، 1388: 29) براین اساس وجوه معنوی رموزی از حقیقت برتر است که موجب اتصال به معبود حقیقی می‌شود.

وجه روانی خانه

وجوه روانی شامل جنبه‌هایی از سکونت است که در سلامتی روحی و روانی تأثیر می‌گذارد. نتیجه تحقیقات شاو، ویلکنسون، تامسون و پتکریو به این مسئله تأکید می‌کند. "خانه‌های با کیفیت پایین موجب کاهش سلامتی روحی ساکنان می‌شود." (Shaw, 2004; Wilkinson, 1999) و در مطالعاتی دیگر بیان شده است: "بهبود کیفی خانه تأثیر مثبت در سلامتی روحی و روانی انسان دارد." (Thomson & Petticrew, 2005) وجوه روانی در پی عواملی است که با حصول آن امکان زیستن در خانه‌ای آرام، امن و صمیمی فراهم شود.

چنین مکانی در کنار سازگاری با الگوهای رفتاری، دارای ویژگی‌هایی است که به شخص و فضای شخصی و امن افراد احترام گذاشته و آنرا حفظ می‌کند. سازگاری با الگوهای رفتاری ساکنان، "مکانی تطبیق پذیر و انعطاف پذیر" (لنگ، 1381: 134) شکل می‌دهد که در آن امکان ایجاد تغییرات متناسب با شرایط روحی و روانی ممکن می‌گردد که در نهایت منجر به وابستگی و دلبستگی به خانه شده و آن را قابل کنترل برای شخص می‌کند.

محیطی خاطره انگیز می‌شود. اینجاست که خانه تکیه‌گاه روانی شخص شده و نیاز به برگشت به آن غیرقابل انکار می‌شود. "تعلق مکانی (به خانه) در واقع رابطه هم پیوندی است که میان انسان و محیط برقرار گردیده است. بر اثر این رابطه، محیط به یک لنگرگاه روانی بدل می‌گردد" (کوپر مارکوس، 1382) این مسئله را راپاپورت بدین صورت بیان می‌کند: "محل سکونت، لنگرگاه اولیه فرد را تشکیل می‌دهد" (Rapoport, 1990). دیدگاه باشلار که "خانه مکانی است که همچون تکیه‌گاه آشنا به پشتیبانی ما می‌نشیند" (شولتز، 1389: 141) مؤکد این مسئله است. حس تعلق به خانه با بازآفرینی خاطرات و نشانه‌ها، خانه را تکیه‌گاه امنی می‌کند که انسان نیازمند برگشت به آن است.

یکی دیگر از ویژگی‌های روانی خانه به مبحث هویت دهی و تأثیر خانه در نشان دادن هویت انسانی است. شولتز می‌نویسد: "هویت فردی در سکونت خصوصی [خانه] مستتر است که برای یافتن آن به خانه عقب نشینی می‌کنیم". (شولتز، 1389: 141) مطابقت خانه با هویت شخصی، در احساس امنیت و آسایش روانی مؤثر است. شولتز با اهمیت دادن به آسایش در خانه، رابطه آن را با هویت اینگونه بیان می‌کند: "خانه با مطرح شدن به‌عنوان پیکره‌ای معمارانه در محیط، هویت ما را محرز کرده و امنیت را بر ما ارزانی می‌دارد و سرانجام، هنگام پای نهادن به خانه به «آسایش» دست می‌یابیم". (شولتز، 1389: 144) در این صورت هویت خانه برگرفته و انعکاس دهنده هویت شخص است که با درک آن، هویت شخص قابل شناسایی خواهد شد.

وجه اجتماعی خانه

وجه اجتماعی خانه، در پی ایجاد محیطی است که ضمن هماهنگی با محیط اجتماعی، شرایط مطلوب برای روابط اجتماعی و تعاملات اجتماعی را فراهم کند. نیاز

انسان به زندگی اجتماعی انگیزه لازم برای استفاده از فرصت‌ها برای برقراری روابط بین انسان‌ها را به وجود می‌آورد، انگیزه‌ای که در نهایت در رشد فردی مؤثر است. فضای سکونتی یکی از فضاهایی است که با به‌کارگیری الگوهای تعامل اجتماعی، نقش مهمی در بهبود محیط اجتماعی دارد.

اریکسون کاربرد اجتماعی سکونت را به‌عنوان ساختار ابزاری می‌داند که امکان برخورد و با هم انجام دادن فعالیت‌ها را برای مردم به وجود می‌آورد و فضای سکونت می‌تواند برای برخوردهای اجتماعی و فعالیت‌های جمعی مانع باشد یا آن‌ها را تقویت کند (Eriksson, 1994) در این مورد کریستوفر الکساندر می‌نویسد: (۱۹۷۷، ۱۹۷۲) ملاقات‌های گاه به گاه و غیر رسمی زمینه ساز توسعه دوستی‌ها و روابط روزمره مردم است (لنگ، 1381: 187). که برای زندگی اجتماعی ضروری است. فضای مسکونی می‌بایست قادر به ارائه فرصت‌های متنوع بالقوه و بالفعل به ساکنانش باشد تا از این طریق امکان مرادوات اجتماعی را افزایش دهد.

در محیط اجتماعی خانه، واحدهای همسایگی نقش مهمی دارد. اینکه مردم علاقمند به چه نوع محیط اجتماعی هستند به همسایه‌ها و روابط همسایگی بین آن‌ها مربوط می‌شود. "ساکنین که در یک واحد همسایگی زندگی می‌کنند یک حس تعلق بین همسایه‌ها به وجود می‌آید و هویت جمعی شکل می‌گیرد". (Bardo, 1984) احساس تعلق و همبستگی جمعی در واحد همسایگی موجب شکل‌گیری هویت اجتماعی می‌شود. جنکینز بر این اعتقاد است که "هویت جمعی برخلاف هویت فردی بر شباهت‌ها تأکید دارد و در چارچوب یک سرزمین یا منطقه جای می‌گیرد". (جنکینز، 1381: 34). "تئوری هویت اجتماعی³ می‌تواند شامل جنبه‌هایی از مکان و همسایگی باشد". (Hauge, 2007) هویت

برای انجام و ملزومات و شرایط لازم از فرهنگ نشأت گرفته و نقش اساسی در شکل خانه، نوع فضاها و روابط بین فضاها دارد که راپورت آن را نقش تعیین کننده بیان می‌کند. شیوه سکونت برگرفته از گذشته است که با تغییراتی در حال و آینده زیست می‌شود. گاهی با حفظ آثار تاریخی ارزشمند به عنوان نمادی از اصالت و ریشه دار بودن و یا باز گویی خاطراتی از گذشته و خانه کودکی بازآفرینی می‌شود. " فرهنگ کاربران است که نوع استفاده از خانه‌ها، مکان قرارگیری، همجواری شان و وسعت کل سیستم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (پوردیهیمی، 1390: 6) با این برداشت می‌توان خانه را یکی از عناصر فرهنگی تعریف کرد که فرهنگ منطقه‌اش را عیان کرده و گویای هویت فرهنگی است.

هماهنگی، با شناخت نحوه زندگی و داشتن درک مناسب از آداب و رسوم و مناسبات اجتماعی و ارج نهادن ارزش‌های تاریخی و فرهنگی به دست می‌آید. "برای ایجاد تداوم فرهنگی - اجتماعی، مطالعه و شناخت ویژگی‌ها و خواسته‌های ساکنین واقعی و بالقوه ضروری است" (عینی فر، 1379: 111). هماهنگی، با شیوه سکونت در قلمرو زندگی⁵ قابل بررسی است. براین اساس هماهنگی و تطابق با محیط فرهنگی در جهت شکل‌گیری هویت فرهنگی است.

وجه فیزیکی خانه

وجه فیزیکی خانه بیانگر شکل کالبدی خانه است. خانه در موقعیت خاصی قرار گرفته و دارای ساختار کالبدی برای محافظت انسان از شرایط جوی و خطرات احتمالی است. توجه به نیازهای فیزیکی انسان، خانه را به مکانی با فضاها و ابعاد و اندازه مشخص در روابطی جهت سهولت انجام فعالیت‌ها تبدیل می‌کند. وجوه فیزیکی، مجموعه‌ای از عوامل است که آن‌ها را می‌توان به بخش‌های زیر تقسیم کرد:

اجتماعی فضای سکونت، با اشتراکات اجتماعی ساکنان در سبک زندگی و موقعیت‌های اجتماعی در محیط مسکونی شکل می‌گیرد که از سویی به همسایگان و نوع روابط اجتماعی وابسته است و از سوی دیگر آبشخور مکان و ساختار فیزیکی است که به کمک سمبل‌های فیزیکی هویت جمعی را تقویت می‌کند. به عبارتی هویت جمعی به دست آمده از همسایگان و ساکنان در قلمروهای عینی و مادی مجموعه مسکونی ظهور و تجلی پیدا می‌کند. واحدهای همسایگی همگن ضمن تقویت هویت اجتماعی، عزت نفس ساکنان را افزایش داده و شرایط لازم برای زندگی اجتماعی مثبت و بدور از تنش را فراهم می‌کند.

وجه فرهنگی خانه

گوناگونی و تفاوت‌های فرهنگی در جوامع مختلف منجر به شیوه‌های متفاوت زیست شده است. که ریشه در عناصر ناپایدار⁴ فرهنگی دارد. توجه به این شیوه‌های زیست، تعیین کننده وجوه کیفی فرهنگی است. شیوه نگرش، آداب و رسوم، باورها و اعتقادات برگرفته از فرهنگ است، فرهنگی که انسان براساس آن دست به ساخت مصنوعات می‌زند. لذا مصنوعات ساخته انسان ریشه در فرهنگ بومی دارند. یکی از مصنوعات ساخته بشری خانه است که شکل عینیت یافته فرهنگ مردمی است. با درک و شناخت فرهنگ بومی یا مردمی یا فرهنگ توده‌ای خانه طراحی و ساخته شده، مطلوبیت مردمی به دست می‌آورد و به قول حسن فتحی: "...افراد می‌بایست در این خانه‌ها چنان طبیعی زندگی کنند که انگار جامه‌هایشان را می‌پوشند." (فتحی، 1382)

" بسیاری از تفاوت‌های موجود در نحوه انجام فعالیت‌های اساسی مردم می‌تواند ناشی از تفاوت‌های فرهنگی باشد" (Rapoport and Waston 1972: 33- 35) نوع فعالیت‌ها و نحوه انجام، زمان و مکان مورد نیاز

1. موقعیت و دسترسی‌های خانه (سهولت دسترسی به مراکز آموزشی و درمانی و..)
 2. جنس و نوع مصالح
 3. استحکام سازه ای در مقابل سوانح طبیعی
 4. تطابق با محیط طبیعی و حداقل مصرف انرژی
 5. تعداد، اندازه و روابط بین فضاهای مورد نیاز
- هریک از عوامل ذکر شده شرایط زندگی در آسایش فیزیکی را افزایش می‌دهد.

عنصر خیرخواهی در وجوه کیفی خانه

خانه می‌تواند تداعی کننده و انعکاس دهنده خیرخواهی باشد. چنین خانه‌ای انسان را دعوت به خیر و خوبی می‌کند. خانه خیر باید ویژگی‌هایی داشته باشد که برگرفته از خیرخواهی است. این ویژگی‌ها تعیین کننده اصول ماندگاری است که خانه با متصف شدن به آن ارتقای کیفی می‌یابد. در پنج بخش وجوه کیفی با عنصر خیرخواهی همسو شده تا از این طریق بستر لازم برای ظهور و بروز این عنصر در کالبد خانه محقق گردد.

عنصر خیر خواهی در وجه اجتماعی خانه

عنصر خیر خواهی ریشه و اساس ارزش‌های اخلاقی است. بازتاب این عنصر در وجه اجتماعی، در توجه به ارزش‌های اخلاقی جمعی شکل می‌یابد. از جمله نمودهای عنصر خیر خواهی، احسان و نیکوکاری است. توصیه‌های زیادی به‌ویژه در مذاهب به این بعد از زندگی شده است. نیکوکاری از حسنات صفات انسانی است که به شکل‌های گوناگون نمود می‌یابد. در آیه 148 سوره آل عمران، خداوند سعادت دنیا و زندگی نیک و آسایش و آرامش را از آثار احسان و نیکوکاری اشخاص و یا جوامع برشمرده و می‌فرماید: "فاتاهم الله ثواب الدنيا و حسن ثواب الاخرت و الله يحب المحسنين" خداوند ثواب دنیا و پاداش بهتر اخروی را به ایشان بخشید؛ زیرا

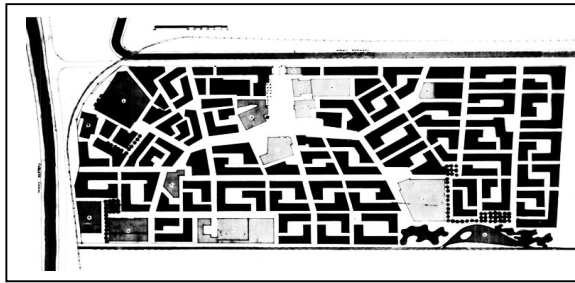
خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد. در آیه 30 سوره نحل نیز با بیان پاداش احسان، مردم را به نیکوکاری تشویق و ترغیب می‌کند.

یکی از ویژگی‌های نیکوکاری، بخشندگی است. بخشندگی در خانه با دعوت از مهمان و مهمان نوازی تحقق می‌یابد. "اسلام مهمان نوازی را برای حفظ روابط مستحکم خانوادگی، همسایگی و اجتماعی بسیار ترغیب می‌نماید. دید و بازدید، پیوند بین مردم را تقویت می‌کند و به‌عنوان یکی از عناصر مهم در زندگی سالم و اجتماعی از ارزش والایی برخوردار است. مهمان نوازی و سخاوت نسبت به مهمانان بدون افراط کاری، بسیار توصیه شده است." (مرتضی، 1387: 165) در خانه، استقبال از آستانه یا ورودی خانه آغاز می‌شود و با حفظ قلمرو خصوصی، مهمان را وارد فضای مهمان می‌کند که فضایی آرام و با طراوت با اندازه مناسب برای تکریم مهمان است.

از دیگر وجوه نیکوکاری کمک به دیگران است. در آن صورت صرف داشتن روابط اجتماعی برای رفع نیازهای اجتماعی، هدف نیست بلکه داشتن روابط برای کمک کردن به دیگران است. انسان‌ها نیازمند کمک هم نوعان هستند و روابطی که این بستر را فراهم کند مورد پسند و مطلوب می‌باشد. خانه‌ای که بستر انجام این امر خیر را فراهم می‌کند در محلی قرار گرفته است که مردم با موقعیت اجتماعی و اقتصادی متفاوت در آنجا زندگی می‌کنند. در چنین فضای سکونت، امکان همدردی و حل مشکل برای ساکنان فراهم است. قرارگیری واحدهای سکونتی در اندازه‌های متفاوت امکان زندگی برای اقشار مختلف مردم را به‌وجود می‌آورد. از وجوه نیکوکاری احترام به دیگران است که به معنای ارزش و اعتبار گذاشتن به دیگران است. احترام به دیگران در واحد سکونتی به شکل حق همسایگی تعریف می‌شود. در اسلام تأکیدات بسیاری در مورد نوع همسایه و حق

عدالت در معنای تساوی، نمود عدالت اجتماعی است. در اسلام به تساوی انسان‌ها تأکید شده و در قرآن "ان اکرمکم عندالله اتقیکم" (حجرات، 13) تنها ملاک برتری انسان تقوی معرفی شده است. در بخش مسکن، جهت رعایت عدالت اجتماعی، تمام ساکنین از حقوق مساوی در استفاده از خدماتی چون فضای سبز، فضای پارکینگ، خدمات بهداشتی و غیره برخوردار هستند.

1. نقشه روستای گورنا کار حسن فتحی، فضاهای باز در واحدهای همسایگی باعث ارتقای روابط اجتماعی ساکنان می‌شود.



شکل‌گیری ارتباطات جمعی موجب شکل‌گیری هویت جمعی می‌شود. هویت جمعی هویت برگرفته از اشتراکات و تعلقاتی است که بین ساکنان حاکم است. مکان با رویدادهای اتفاق افتاده در آن تعلق جمعی را شکل می‌دهد. هویت جمعی استوار بر خاطرات نیک و پسندیده و نشانه‌هایی است که معانی نیکی را انتقال می‌دهد و یاد آن در انسان تصور زیبایی از حیات را تداعی می‌کند.

عنصر خیرخواهی در وجه روانی خانه

جنبه فردی ارزش‌های اخلاقی در وجوه روانی خانه مدنظر است. یکی از وجوه روانی امکان تطبیق‌پذیری با شرایط روانی ساکنان است. با در نظر گرفتن عنصر خیرخواهی می‌توان تطبیق‌پذیری را تطبیق‌پذیری با شرایط روانی که در مسیر ارزش‌های انسانی باشد، تعریف کرد. به عبارتی انعطاف‌پذیری برای مطابقت دادن با ویژگی‌های شخصیتی مثبت چون مالکیت نفس، نظم و... اهمیت دارد.

همسایگی آورده شده است. از جمله در میزان الحکمه توصیه به گزینش همسایگان پیش از گزینش جای خانه شده و سفارشات برای خوش رفتاری و همنشینی با همسایگان و برادران دینی و خلقی با توجه به اینکه تا حدود چهل خانه از هر محور همسایه تلقی شده است (نقره کار، 1387: 533). از دیگر تأکیدات اسلام رسیدگی به همسایگان است که از شروط جوانمردی است (غررالحکم، باب همسایگی) بر این اساس حق همسایگی و تکریم آن جزو رسالت‌های انسانی محسوب می‌شود که در خانه، این رسالت از طریق هماهنگی و حفظ حریم ممکن می‌گردد. به عبارتی خانه‌ای که در هماهنگی با بناهای اطراف شکل گرفته و با رعایت اشرافیت، نور و عرصه بندی فضایی ساخته شده، ضمن احترام به همسایگان، ساکنان خود خانه را نیز محترم می‌پندارد.

برای همنشینی و مصاحبت با همسایه در فضای سکونتی به جز فضای داخلی خانه، وجود فضاهای باز یا نیمه باز در مجاورت خانه ضروری است. تارقیق و قاضی⁶ از جمله محققانی هستند که به ارتباط آشکار بین طراحی ساختمانهای مسکونی و حرکات اجتماعی ساکنین در فرایند شکل‌گیری و حفظ روابط اجتماعی تأکید می‌کنند. (Hargreaves, 2004: 60) فضاهای جمعی با داشتن فضای مناسب برای بازی کودکان و با ایجاد فضاهای باز در مجاورت فضای سکونتی⁷، محلی برای برقراری روابط اجتماعی است. این فضاها موجب شکل‌گیری شبکه‌ای از برخوردهای اجتماعی می‌شود که اتحاد جمعی و هویت فرهنگی را (در سطح همسایگی) تقویت می‌کند (Hargreaves, 2004: 63) این فضاها امکان عرصه‌بندی از فضای عمومی به نیمه عمومی را ممکن ساخته و فضای مناسبی برای برقراری ارتباط، مشارکت و همکاری بین ساکنین است. در تصویر 1 نمونه‌ای از این فضاها در واحد همسایگی است.

حفظ حریم خصوصی فرد در خانه ضرورتی است که در راستای احترام به خود و احترام به دیگران ارزشمند می‌شود. ساختار کالبدی آن، عرصه‌بندی فضایی و شکل قرارگیری ورودی خانه به گونه‌ای است که با جداسدن از فضای عمومی امکان دید به فضاهای داخلی خانه را حذف کند. که در فضای هشتی خانه‌های سنتی چنین جداسازی وجود داشت.

هویت شخصی گویای ویژگی‌های منحصر به فرد شخصی است که می‌تواند گویای رفتارهای مثبت یا منفی باشد. هویت شخصی با عنصر خیرخواهی در پی متمایز شدن با ویژگی‌های رفتاری مثبت است مانند ویژگی فروتنی که در خانه با اندازه و ابعاد متناسب با خانه‌های دیگر و با حذف تزئینات اضافی حاصل می‌شود. شخصی سازی خانه با بیان وجه تمایزها با اعتماد به نفس و به دور از خودنمایی بروز می‌یابد به عبارتی تفاوت در هماهنگی با دیگر بناها قابل مشاهده است. هماهنگی خانه با محیط اطراف از تعادل روانی ساکنان حکایت می‌کند. علاوه بر آن تعادل در توجه متعادل به تمام نیازها و خواسته‌های بشری مشخص می‌شود که مبانی طراحی آن تعدد فضایی با اندازه‌های متناسب⁸ است.

عنصر خیرخواهی در وجه فرهنگی خانه

هماهنگی با فرهنگ بومی از وجوه فرهنگی است این هماهنگی مغایرتی با توسعه و تحول ندارد. توسعه در جهت عنصر خیرخواهی توسعه‌ای می‌شود که با ارزش‌های اخلاقی مزین شده است و امکان سنجش و گزینش را فراهم می‌کند. الگوهای بومی خانه که در راستای ارزش‌های اخلاقی باشند قابل شناسایی و به‌کارگیری هستند. برای نمونه اگر خرافه پرستی در فرهنگ بومی مردمی وجود داشته باشد در سیستم ارزشی ذکر شده قابل حذف می‌باشد.

هویت به دست آمده از مکان زندگی، انسان را از سردرگمی نجات می‌دهد. تعادل و هماهنگی با محیط اجتماعی و فرهنگی اگر آغشته به حکمت باشد سنجش و گزینشی را برای جذب بهترین‌ها در جهت سعادت انسان انجام خواهد داد. در صورت این سنجش هویت به دست آمده، هویت سازنده و پایدار خواهد بود که علاوه بر نجات انسان از سردرگمی، او را سعادتمند می‌کند.

عنصر خیرخواهی در وجه فیزیکی خانه

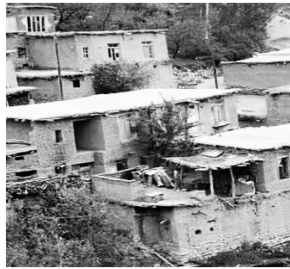
وجه فیزیکی مجموعه عواملی است که با کالبد خانه در ارتباط است. یکی از این عوامل موقعیت خانه است. عنصر خیرخواهی به نحوه ارتباط با همسایگان توجه دارد و این ارتباط در صورتی که با ارزش‌های اخلاقی نیکوکاری و کمک کردن مزین شود، پسندیده می‌باشد. در نتیجه، استقرار خانه در جایی که همسایگان خوب داشته باشد، اولویت دارد.

مفهوم دیگری از تعادل که در وجوه فیزیکی می‌توان بیان کرد، رعایت حد میانه است که می‌توان آن را با "پرهیز از بیهودگی" پیرنیا معادل دانست که گویای حد تعادل در مصرف مصالح و ابعاد و اندازه فضاها و ... است. در احادیث به پرهیز از خودنمایی و تظاهر و اسراف در خانه - سازی و رعایت حد اعتدال و نیاز توجه شده است (نقره کار، 187: 532). خانه‌ای که در استفاده از مصالح و ابعاد و اندازه فضاها بدون پرت فضایی و در حد رفع ضروریات ساخته شود، خانه مناسب است. این خانه به دور از خودنمایی در شکل ساخته شده است. نمونه بازار این خانه‌ها را می‌توان در روستاهای کشورمان مشاهده کرد.

هماهنگی با بناها و ساختمانهای اطراف است که از نظر اندازه، شکل، رنگ و نوع مصالح به دست می‌آید چنین خانه‌ای براساس نظر اردلان در "نظم با نواخت و هماهنگی، موجد کثرت در وحدت است" (اردلان، 1380: 79). که در زنجیره متصل و تکاملی با بناهای

طبیعی امکان ارتباط با طبیعت را که یکی از ارتباطات چهارگانه انسان با عالم است، به وجود می آورد که روشن کننده اهمیت افزایش نسبت فضای سبز و باز به فضاهای ساخته شده در محیط مسکونی است که نمونه ای از آن در تصویر 4 آمده است.

ت.4. روستای زنوزق (منبع: آرشیو نگارندگان).



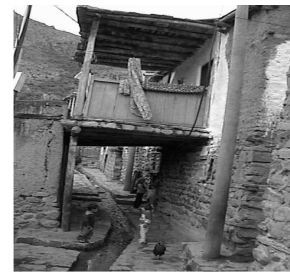
عنصر خیرخواهی در وجه معنوی خانه

هدف نهایی از وجود عنصر خیرخواهی در ذات انسان، شناخت خداوند و رسیدن به حقیقت واقعی است از همین رو مظاهری می نویسد: "اصلان به مقام لقاء، تهذیب و آراستگی اخلاقی را از مقدمات و منزلگاه ها به شمار می آورند." (مظاهری، 1388: 26) که توأم است با فهم اینکه "عالم نهایتاً خیر است، زیرا از خیریت الهی نازل می شود" (نصر، 1385: 278).

برای رسیدن به حقیقت در خانه سه روش پیشنهاد می گردد: روش اول استفاده از رمز و تمثیل است و روش دوم ایجاد فضای سکون که امکان تفکر و حرکت درونی برای رسیدن به حقیقت را هموار می کند و روش سوم امکان سیر در طبیعت است. در روش اول معمار در خلق خود راز و رمزهایی را به ودیعه می گذارد تا با ماهیت تأویل پذیری اثر معماری، ذهن مخاطب رهرو را در جهت کشف معانی نهفته در آن حجاب صورت ترغیب نموده و او را در این مسیر همراهی کند. در این صورت هر خلقی که هنرمند انجام می دهد تمثیلی از یک حقیقت

اطراف شکل می گیرد و جزوی از کل می شود. هماهنگی بدون فخر فروشی در خانه های صدر اسلام وجود دارد. "تواضع و سادگی در نمای خارجی خانه ها در صدر اسلام، تا آن حد بود که در برخی از شهرهای اسلامی، تشخیص خانه ها از یکدیگر به امری دشوار تبدیل می گشت" (مرتضی، 1387: 171) نمونه دیگری از این خانه ها، خانه های بومی است که شکل واحد و هماهنگ از روستا را (تصویر 3) نشان می دهد.

ت.2. روستای اشترین (منبع: آرشیو نگارندگان).



ت.3. روستای سور (آذربایجان شرقی): رعایت اعتدال در فرم، ابعاد، اندازه و مصالح موجب هماهنگی در بافت روستا می شود. (منبع: آرشیو نگارندگان)



جنبه دیگر تعادل، هماهنگی با محیط اطراف است که این محیط شامل محیط طبیعی نیز می شود. تعادل با محیط طبیعی در خویشاوندی با طبیعت پیرامون خویش و استفاده از مصالح بومی ممکن می گردد. خویشاوندی با محیط طبیعی از طریق رعایت شرایط محیطی و به کارگرفتن عناصر طبیعی در محیط خانه حاصل می شود. توجه به فاکتورهای محیطی و به کارگیری عناصر

نتیجه

عنصر خیرخواهی ریشه در فطرت انسان دارد و بیانگر گرایش‌های مقدس انسانی است. از این‌رو زبان مشترک انسان‌ها و هدایتگر انسان به سمت فرهنگ متعالی است. دست ساخته‌های بشری به اندازه قرابت با این عنصر ماندگاری و مطلوبیت می‌یابند. یکی از این دست ساخته‌ها که مکان زندگی و شکل گرفته از شیوه سکونت انسان است، خانه می‌باشد. تجلی عنصر خیرخواهی در خانه الگوهای ماندگاری را به خانه متصور می‌سازد که این الگوها فراتر از زمان و مکان بوده و همیشه ارزشمند هستند. در این مقاله پس از شناخت عنصر خیرخواهی و وجوه کیفی خانه، وجوه کیفی همسو با عناصر ویژگی‌هایی را برای خانه مشخص می‌کند که تبیین‌کننده اصول طراحی خانه خیر است و مصادیق آن را می‌توان در معماری بومی کشورمان جستجو کرد.

خانه‌ای که نمود عنصر خیرخواهی باشد خانه خیر و نیکی است. خانه‌ای است که هماهنگ با محیط اجتماعی، بخشنده، با احترام به حقوق همسایه و بستری برای نیکی و نیکوکاری است که تعلق جمعی به محیط سکونتی را در بین ساکنان تقویت می‌کند. این خانه، خانه‌ای متعادل، نجیب و فروتن است که نمود عینی از ارزشهای اخلاقی فردی است. چنین خانه‌ای ضمن هماهنگی با شیوه سکونت در پی حفظ الگوهای بومی است که ریشه در ارزش‌های انسانی دارد. در خانه خیر به رعایت حد اعتدال در اندازه فضا و استفاده از مصالح تأکید شده است. این خانه در هماهنگی با بناهای اطراف و محیط طبیعی به نیازهای فیزیکی انسان پاسخگو است. در این خانه با خلق فضای سکون برای سیر در انفس و حرکت درونی به سمت معبود ممکن می‌گردد. استفاده از هندسه، نور و رنگ در خانه می‌تواند رموزی از حقیقت مطلق باشد که هدف نهایی از نمود عنصر خیرخواهی در خانه است. در

وجودی متعالی است. در مسکن سنتی با استفاده از هندسه، نور، رنگ و با ایجاد نظم تمرکز آفرین رموزی از حقیقت مطلق برای سالکان آشکار می‌شود.

در روش دوم برای رسیدن به حقیقت نیاز به تفکر و اندیشیدن است. اسپنسر⁹ آن را اینگونه بیان می‌کند:

" برای رسیدن به حقیقت واقعی، نیازمند سالها تفکر هستیم، نه فعالیت، نه دلیل آوردن، نه حساب کردن، نه رفتار شلوغ، نه خواندن، نه صحبت کردن و نه پیشنهاد دادن، تنها صبر کردن در ذهن به چیزی که شخص نیاز به دانستن آن دارد" (Habraken, 1998).

به عبارتی با تفکر می‌توان به خدا نزدیک شد و به سعادت رسید. برای تفکر و تمرکز در فضای سکونتی نیاز به فضای سکون است، فضایی با آرامش و سکون که امکان سیر در انفس را فراهم می‌کند. در آیه مبارکه "وا...جعل لکم من بیتکم سکنا" از خانه و بیت به‌عنوان محل به آرامش رسیدن یاد شده است. تا انسان در آرامش بتواند سیر در انفس داشته و به خودآگاهی روحی و معنوی برسد. این فضا، با توجه دادن انسان به درون در پی ایجاد فضایی است که حس آرامش و سکون را برای او فراهم کند تا طی کردن مراتب کمال را در جستجوی حقیقت هموار سازد. در روش سوم خانه با ایجاد امکان سیر در طبیعت راه رسیدن به حقیقت را هموار می‌کند با توجه به اینکه یکی از راههای رسیدن به خدا سیر در آفاق است. خداوند در بسیاری از آیات قرآن انسان را دعوت به تفکر در طبیعت می‌کند از جمله سوره الرعد آیه 3 " اوست کسی که زمین را گسترانید و در آن کوهها و رودها نهاد و از هر گونه میوه‌ها در آن جفت قرار داد. قطعاً در این برای مردمی که تفکر می‌کنند نشانه‌هایی وجود دارد." طبیعت در فضای سکونت و خانه از طریق به‌کار بردن عناصر طبیعی و تلفیق فضای داخلی با طبیعت از طریق ایجاد چشم انداز به سوی طبیعت حضور می‌یابد.

منابع

- اردلان، نادر؛ بختیاری، لاله. (1380). حس وحدت: سنت عرفانی در معماری ایرانی، ترجمه حمید شاهرخ، نشر خاک، اصفهان.
- باشلار، گاستون. (1385). دیالکتیک برون و درون (پدیدار شناسی خیال)، ترجمه امیر مازیار، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
- پوردیهیمی، شهرام. (1390). فرهنگ و مسکن، مسکن و محیط روستا، شماره 134، 3-18.
- جنکینز ر. (1381)، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، نشر شیرازه، تهران.
- حائری مازندرانی، محمد رضا. (1388)، خانه، فرهنگ، طبیعت: بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر به‌منظور تدوین فرایند و معیارهای طراحی خانه، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- شار آدم. هایدگر برای معماری. (1389)، (تأملی بر سنت معماری مدرن)، ترجمه و گردآوری روزبه احمدی نژاد، انتشارات طحان.
- شوای، فرانسوا. (1375)، شهرسازی تخیلات و واقعیات، ترجمه محسن حبیبی، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- شولتز کریستیان نوربری. (1389)، مفهوم سکونت (به سوی معماری تمثیلی)، ترجمه محمود امیر یاراحمدی، مؤسسه نشر آگه، تهران، چاپ چهارم.
- صدرالمتالهین شیرازی. (1999-1419ق)، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج 1 و 4 و 7 و 9، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طباطبایی، محمد حسین. (1382)، تفسیرالمیزان، ترجمه موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ج 1.
- عینی فر، علیرضا. (1379)، عوامل انسانی - محیطی مؤثر در طراحی مجموعه‌های مسکونی، هنرهای زیبا، شماره 8، 39-50.
- فتیحی، حسن. (1382)، ساختمان سازی با مردم، ترجمه علی اشرفی، دانشگاه هنر، معاونت پژوهشی.
- کوپر، کلر مارکوس. (1382)، خانه نماد خویشتن، ترجمه احد علیقلیان، خیال 5 فصلنامه فرهنگستان هنر.

این خانه به تمام وجوه در رابطه‌ای متعادل و هماهنگ جهت دعوت انسان به خیرخواهی توجه شده است. به امید آنکه خانه‌های معاصر، خانه خیر برای ساکنانی باشد که لذت احسان و نیکوکاری را درک کرده‌اند.

پی نوشت

1. مطهری در کتاب فطرت گرایش‌های مقدس را به پنج گرایش حقیقت جویی، خیر و فضیلت، جمال و زیبایی، خلاقیت و ابداع، عشق روحانی و پرستش تقسیم می‌کند.
2. جهت مطالعه بیشتر در این خصوص رجوع شود به رساله دکتری "پایداری فرهنگی خانه (بررسی و شناخت عناصر پایدار فرهنگی برای ارتقای کیفی خانه)" تدوین شده توسط پریسا هاشم پور در دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
3. تئوری هویت اجتماعی اولین بار توسط تاجفل مطرح شده است که بیانگر حس تعلق به گروه‌های اجتماعی مشخص است. (Tajfel, 1981).
4. فرهنگ شامل عناصر پایدار و ناپایداری است که عناصر پایدار در گذر زمان ثابت بوده و عناصر ناپایدار متناسب با شرایط زمانی و مکانی تغییر می‌کنند.
5. «قلمرو زندگی در خانه حضوری عیان دارد و کنش متقابل فرد، گروه و جامعه را با فضا شامل می‌شود که در چهارچوب شیوه زندگی و رابطه متقابل آن با سازمان فضایی خانه قابل شناسایی و بررسی است» (حائری، 1388: 175).
6. Abu Ghazi و Twarfig
7. فضاهای باز در مجاورت فضاهای بسته مسکونی باعث ایجاد تعادل بین فضای بسته و باز می‌شود که در فرهنگ چینی بر گرفته از نشان (یین - یانگ) که در نهایت هارمونی شکل گرفته است. در خانه‌های چینی فضای باز به اندازه فضای بسته اهمیت دارد و در مجاورت هم به تعادل می‌رسد (Xiao Hu, 2007: 359).
8. که در خانه‌های معاصر برخلاف خانه‌های سنتی با روند حذف فضا مواجه هستیم (حائری، 1388: 53).
9. G. Spencer- Brown, Lows of form
10. تصاویر منتخب در متن از روستاهای منطقه شمالغرب کشور است با این استدلال که نمونه بارز عنصر خیرخواهی را می‌توان در مسکن بومی کشورمان دید.

Impacts of Housing Type: Qualitative Evidence from a Housing and Regeneration Intervention, Housing Studies, Vol. 26, No. 4, 555-573

- Godwin.(2001). *DEVELOPMENT POLICY ESTIMATING HOUSING QUALITY FOR POVERTY AND DEVELOPMENT POLICY ANALYSIS: CWIQ IN GHANA* Social Indicators Research 53: 137-162, 2001 © 2001 Kluwer Academic Publishers. Printed in the Netherlands.

- Habraken, N.J.(1998). *The Structure of the ordinary*, The MIT Press. Cambridge, Massachusetts. London, England.

- Hargreaves. A.(2004). *Building communities of place: Habitual movement around significant places*, Journal of Housing and Built Environment. Vol 19,49-65.

- Hauge, Å. L.(2007). *Identity and place – a comparison of three identity theories*. Architectural science review, 50(1)44-51.

- Katherine H. Leith.(2006). *Home is where the heart is...or is it? A phenomenological exploration of the meaning of home for older women in congregate housing*. Journal of Aging Studies, Vol 20, Issue 4.

- Kowaltowski Doris C.C.K, Granj A. D.(2011).*The concept of desired value as a stimulus for change in social housing in Brazil*, Habitat international.doi:10.1016. 1-12

- Lawrence, R. (1995). *Deciphering home: an integrative historical perspective*. In D. Benjamin & D. Stea, (Eds), *The Home: Words, Interpretations, Meanings and Environments*. Ethnoscapes: Current Challenges in the Environmental Social Sciences. Aldershot: Avebury.

Levinas,E.(1971). *Totality and infinity. An essay on exteriority*. The Hague/Boston/London: Martinus Nijhoff Publisher.

- Meng Gang, Brent Hall G.(2006). *Assessing housing quality in metropolitan Lima, Peru, housing built environment*, DOI 10.1007/S10901-006-9058-1.413-439.

- Rapoport, Amos and Newton Waston. (1972), *Cultural Variability in Physical Standards*, New York: Basic Books.

- Rapoport,a.(1990). *Systems of activities and systems of setting*, in: S.Kent, *Domestic architecture and the use of space*, Cambridge University of Press.

- Shaw, M. (2004). *Housing and public health*, *Annual Review of Public Health*, 25(1), pp. 397-418.

- Strassmann, W. P. (1998). *The third world*. In W. V. Vliet (Ed.), *The encyclopaedia of housing*. Thousand Oaks—London—New Delhi: SAGE Publications.

- Thomson, H. & Petticrew, M. (2005) *Is Housing Improvement a Potential Health Improvement Strategy?* Geneva: WHO Health Evidence Network (Geneva: WHO).

- لنگ، جان.(1381). آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

- مرتضی، هشام. (1387)، اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام، ترجمه ابوالفضل مشکینی، کیومرث حبیبی. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.

- مسائلی، صدیقه. (1388)، نقشه پنهان به مثابه دست آورد باورهای دینی در مسکن سنتی کویری ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره 37.

- مطهری، مرتضی.(1379). فطرت، انتشارات صدرا، چاپ دوازدهم.

- مظاهری حسین.(1388). کاوشی نو در اخلاق اسلامی: مقدمات و شئون حکمت عملی، ترجمه محمد رضا آژیر و محمود ابوالقاسمی، تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.

- ندیمی، هادی. (1386)، درس‌هایی از معماری سنتی ایران، مجموعه گفتارهای اولین و دومین هم‌اندیشی مباحث معماری، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

- نصر، حسین.(1385)، معرفت و معنویت، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، چاپ سوم.

- نقره کار، عبدالکریم.(1387)، درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، شرکت طرح و نشر پیام سیما.

- Anpoll,R.(1997). *The perceived quality of the urban residential environment*. A multiattribute evaluation PHD-thesis, Center of Energy and Environmental studies(IVEM). University of Groningen(RUG), The Netherlands

- Bardo, J.W. (1984). *Sociospatial Predictors of Community Satisfaction*, Journal of Social Psychology, 122, 189-198.

- Bratt, R. G. (2002). *Housing and family well-being*. *Housing Studies*, Vol.17, 13-26. doi:10.1080/02673030120105857.

- Candilis. G, Ardalan,N. (1976) *Habitat Bill of Right*, Hamdami Foundation, Tehran

- Emmanuel D. Fladzo, Jack E.(2001). *HOUSTON and DEBORAH D. GODWIN ESTIMATING HOUSING QUALITY FOR POVERTY AND DEVELOPMENT POLICY ANALYSIS: CWIQ IN GHANA*, Social Indicators Research 53: Kluwer Academic Publishers. Printed in the Netherlands,137-162.

- Eriksson Jan,(1994). *Dwelling Values Aspects of Housing Quality*, ENHR Conference in Glasgow.

- Gibson, Marcia , Thomson Hilary, Kearns Ade, Petticrew Mark.(2011). *Understanding the Psychosocial*